

جغرافیا و توسعه - شماره ۱۴ - تابستان ۱۳۸۸

وصول مقاله: ۱۳۸۶/۱۰/۲۲

تأیید نهایی: ۱۳۸۷/۷/۱۰

صفحات: ۶۹ - ۸۲

بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی مطالعه‌ی موردی: زنان روستایی دیواندره استان کردستان

دکتر سیدرحیم مشیری

دکتر مسعود مهدوی

استاد جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات | استاد جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

دکتر محمدصادق علیایی^۱

دکترای جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت هر کشور، نقشی تعیین‌کننده در کارهای تولیدی و مشاغل اجتماعی دارند، بطوری‌که این قشر از جامعه در کنار مسؤولیت‌ها و فعالیت‌هایی که در خانواده به‌عنوان مادر و همسر بر عهده دارند، در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی نیز نقشی مهم ایفا می‌کنند. در این میان، سهم زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی و مراحل مختلف کشاورزی اعم از کاشت، داشت و برداشت، دامداری، باغداری و غیره بسیار تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، فقدان آنها در این عرصه‌ها نه تنها خانواده را در عرصه‌ی وظایفی که به‌عنوان مادر و همسر بر عهده دارند، دچار مشکل می‌سازد، بلکه به‌عنوان نیروی کارآمد و بسیار مؤثر، از نقطه‌نظر اقتصادی جامعه‌ی روستایی را نیز دچار بحران جدی می‌کند. در این مقاله به این مهم از دیدگاه اقتصادی توجه شده است، در عین حال در این پژوهش با دو پرسش اساسی روبرو بودیم که یافتن پاسخ آنها می‌تواند در این زمینه رهگشا باشد. این سؤالات عبارتند از:

۱- آیا بین میزان سهم نیروی کار زنان روستایی دیواندره‌ی کردستان در واحدهای بهره‌برداری با درآمد خانوار رابطه‌ی مستقیم وجود دارد؟ ۲- آیا بین میزان تحصیلات زنان روستایی دیواندره کردستان در واحدهای بهره‌برداری با سهم آنان در درآمد خانوار رابطه‌ی وجود دارد؟

برای یافتن پاسخ و آزمون این دو سؤال که به‌عنوان فرضیه‌ی تحقیق نیز مطرح بوده است، داده‌های مورد نیاز از طریق اسنادی و عملیات پیمایشی گردآوری فراهم آمد و همچنین از روش مصاحبه‌ی حضوری نیز استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی و آماری انجام گردید. نتایج یافته‌ها بیانگر آن است که اولاً بین میزان نیروی کار زنان روستایی در واحدهای بهره‌برداری و سهم آنان در درآمد خانوار رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد، زیرا با $r=0/75$ ضریب همبستگی آن رابطه‌ی معناداری را تأیید نموده است.

1- msoliaie@yahoo.com

ثانیاً در خصوص رابطه‌ی میزان سواد زنان با سهم آنها در درآمد خانوارهای روستایی این رابطه معکوس بوده و ضریب همبستگی ۷۱- درصد را نشان می‌دهد. البته بخش اعظم زنان روستایی مورد مطالعه بی‌سواد یا کم‌سواد (۸۵ درصد) بوده‌اند، لیکن در میان درصد باتحصیلات بیشتر و اشتغال این رابطه معکوس بوده که بیانگر نامناسب بودن آموزش‌های مرتبط با فعالیت‌های روستایی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: زنان روستایی، نیروی کار زنان، میزان تحصیلات زنان، سهم زنان در درآمد خانوار، دیواندره.

مقدمه

از آنجاکه شکل غالب نظام بهره‌برداری از کشاورزی در بسیاری از روستاهای ایران به صورت خانوادگی است، می‌توان به اهمیت نقش افراد خانواده و به خصوص زنان پی برد. چرا که دستیابی به اهداف توسعه‌ی روستایی بدون در نظر گرفتن نقش زنان امری دشوار است. بر اساس گزارش سازمان ملل ۴۶ درصد از تولید مواد غذایی در رابطه با ۶۰ درصد از فعالیت‌های روستایی صورت گرفته و همچنین ۲۳ تریلیون دلار از درآمد حاصل جهانی کار ثبت شده در سال ۱۹۹۳ حدود ۱۶ تریلیون دلار مربوط به فعالیت‌های زنان روستایی و امور خانه‌داری و سایر کارهای ثبت نشده است که در جامعه‌ی روستایی صورت گرفته است. از این حاصل ۱۱ تریلیون دلار آن به نقش زنان در امور اقتصادی اختصاص دارد (آسایش و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۳۹ و ۳۴۱). بررسی‌های صورت گرفته در بیشتر کشورهای در حال توسعه و تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته، نشان می‌دهد که در فعالیت‌های اقتصادی، ساعات کاری و سختی کار زنان روستایی بیشتر از مردان است. فروک^۱ در مطالعات خود در تعدادی از مناطق روستایی بنگلادش نشان داده که زنان ناگزیرند روزانه نزدیک به ۱۰ تا ۱۳ ساعت صرف کارهای تولیدی کنند (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۸۶) و یا در کشورهای مثل «ژاپن مشقت کاری زنان ۷ درصد، اتریش ۱۱ درصد، ایتالیا ۲۸ درصد، کنیا ۳۵ درصد بیشتر از مردان است» (آسایش و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۴۲).

تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با فعالیت‌های زنان در بخش‌های مختلف کشاورزی در «۸۲ کشور در حال توسعه نشانگر این واقعیت است که زنان روستایی در ۵۲ کشور بیش از ۴۰ درصد کار کشاورزی را و در ۲۴ کشور نیز بیش از ۵۰ درصد کار مزرعه را در مراحل گوناگون تولید به عهده دارند. این ارقام برحسب مناطق جغرافیایی برای درصد مشارکت زنان در تولیدات کشاورزی، متفاوت است: در مناطق صحرایی افریقا، زنان روستایی ۴۶ درصد، شمال

آفریقا و خاورمیانه ۳۱ درصد، آسیا ۴۵ درصد و نواحی کارائیب ۴۰ درصد از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند» (آگهی، ۱۳۷۸: ۱۹۴-۱۹۳).

در ایران نیز زنان روستایی همانند سایر کشورها به صور گوناگون در عرصه‌های کشاورزی و غیرکشاورزی فعال هستند. از دیرباز زنان روستایی علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی و صنایع روستایی، به طور گسترده و فعال در بخش خدمات روستایی نیز نقشی مؤثر و تعیین‌کننده داشته‌اند. تقسیم کار براساس جنسیت همیشه به گونه‌ای بوده که در روستاها بیشترین وظایف و خدمات به عهده‌ی زنان بوده است و ارزش کار خدماتی آنان نه تنها از کار خدماتی مردان کمتر نیست، بلکه در بسیاری از موارد ارزش کار آنها از مردان نیز بیشتر است. وظایف و نقش‌های گوناگونی که بر دوش زن خانه‌دار روستایی سنگینی می‌کند، نشان‌دهنده‌ی سهم عظیمی است که او در فرایند توسعه دارد و طول ساعات کاری زنان روستایی بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت برآورد می‌شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۹: ۵۸). درواقع غیبت زن خانه‌دار از خانه و یا مریضی او باعث اختلال امور منزل و معیشت می‌شود. به‌طوری‌که انجام کار کشاورزی و دامداری وابسته به آماده شدن شرایط زندگی توسط زنان روستایی است. ماهیت بسیاری از کارهای خدماتی برای زنان، به گونه‌ای است که وابستگی آنها را به مردان بیشتر می‌کند. به‌گونه‌ای که زنان شهری- چه در خانه و چه خارج از خانه- در انجام کارهای خدماتی، در مقایسه با زنان روستایی از امکانات بیشتری برخوردارند و این عامل زحمت کار آنها را کمتر می‌کند.

متأسفانه آمارهای رسمی، زنان خانه‌دار روستایی را مانند زنان خانه‌دار شهری جزء جمعیت غیرفعال طبقه‌بندی کرده‌است. زیرا که در بسیاری از نقاط روستایی، خانه‌داری فعالیت اقتصادی محسوب نمی‌شود، به عنوان مثال: وظایفی همچون تأمین سوخت، تأمین آب آشامیدنی، نگهداری از دام و پخت نان در اصل اشکالی از فعالیت اقتصادی هستند که زنان روستایی آن را به‌عنوان جزیی از وظایف خانه‌داری انجام می‌دهند. درحالی‌که این‌گونه فعالیت‌ها در شهرها، در چارچوب واحدهای اقتصادی خاص صورت می‌گیرد و برای استفاده از این‌گونه خدمات، شهری‌ها هزینه‌هایی را متقبل می‌شوند (شهبهانی، ۱۳۷۶: ۲۰۰).

از طرفی نوع فعالیت‌های زنان روستایی بنا به موقعیت خاص فرهنگی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور متفاوت می‌باشد. بر اساس برخی آمارهای غیرمشابه گفته می‌شود زنان «۷۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت برنج، ۹۰ درصد فعالیت مربوط به تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، ۳۰ درصد مربوط به امور برداشت باغ‌ها و ۸۰ تا ۱۰۰ درصد فعالیت مربوط به تولید لبنیات را در بیشتر استان‌های کشور به

عده دارند» (نوروزی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۴۸-۱۴۷). از این رو، توجه به این نکته که زنان در کانون اصلی توسعه قرار دارند، دارای اهمیت بسیار است «زیرا آنان اغلب اقتصاد غیرپولی را با پرورش نسل و تدارک نیروی انسانی و مدیریت اجرایی امور خانواده و کشاورزی معیشتی در کنترل خود دارند. این در حالی است که نقش تولیدی زنان روستایی در امور کشاورزی همواره به صورت‌های پنهان مطرح بوده و کمتر تجلی اقتصادی و اجتماعی یافته است و شاید نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرآیند اقتصادی باشند» (فنی، ۱۳۷۶: ۱۱۹). در حالی که «بدون در نظر گرفتن مشارکت و کمک زنان روستایی به عنوان نیروی کار در مزارع، نیل به اهداف توسعه‌ی کشاورزی، امری ناممکن است» (نواب‌اکبر، ۱۳۷۶: ۱۷۵). لیکن این ابهام وجود دارد، آیا زنان بی‌سواد در درآمد خانوار نقش بیشتری دارند یا برعکس با کسب سواد از سهم آنان در درآمد خانوار کاسته می‌شود؟ متأسفانه چنین تحقیقی انجام نگرفته است لذا این پژوهش در پاسخ به سؤالات فوق‌الذکر و براساس فرضیات زیر در نواحی روستایی دیواندره به‌عنوان مطالعه موردی صورت گرفته است:

- ۱- بین میزان سهم نیروی کار زنان روستایی دیواندره‌ی کردستان در واحد بهره‌برداری با درآمد خانوار رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین میزان تحصیلات زنان روستایی دیواندره‌ی کردستان در واحد بهره‌برداری با سهم آنان در درآمد خانوار رابطه‌ی معکوس وجود دارد.

مواد و روش‌ها

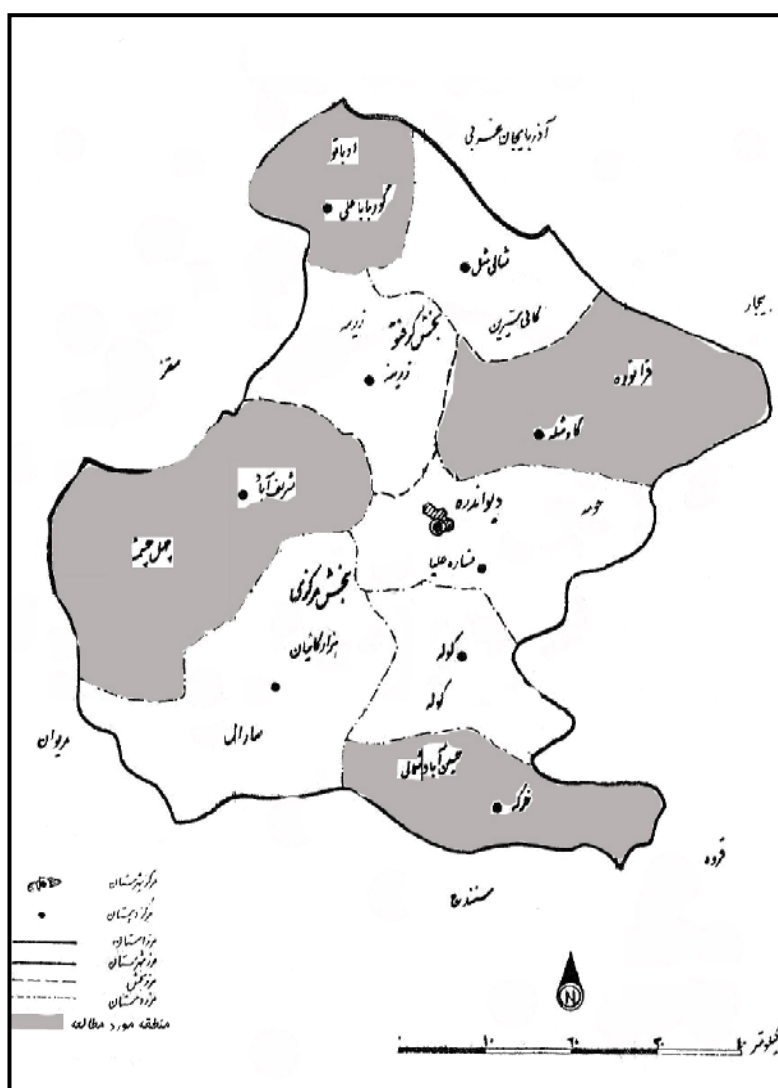
ابتدا از میان جامعه‌ی آماری ۳۲۸ خانوار شهرستان دیواندره با استفاده از فرمول انتخاب جامعه‌ی نمونه:

$$n = \frac{Z^2 pq}{d^2}$$

(حجازی و همکاران ۱۳۸۰: ۱۸۷)، به تعداد ۱۷۷ خانوار (زنان روستایی متأهل) از چهار دهستان (قراقره - چهل چشمه - حسین‌آباد شمالی - اوباتو) به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شده‌اند. سپس داده‌های مورد نیاز به طریق اسنادی و عملیات پیمایشی جمع‌آوری شده است. در برخی موارد از مصاحبه نیز بهره جسته‌ایم. بنا به ماهیت موضوع و نوع داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی برای آزمون فرضیات استفاده شده است.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان دیواندره یکی از شهرهای استان کردستان است که در موقعیت جغرافیایی ۴۷ درجه و ۰۲ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی قرار دارد (آمارنامه استان کردستان، ۱۳۷۷: ۲۲). این شهرستان دارای ۳ بخش، ۹ دهستان و ۱۹۴ روستا می‌باشد و مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵، شهرستان دیواندره ۸۲۶۲۸ نفر جمعیت داشته که از این تعداد، ۴۱۵۷۸ نفر مرد و ۴۱۰۵۰ نفر زن می‌باشند (مرکز آمار ایران).



نقشه ۱: موقعیت شهرستان دیواندره در استان کردستان

وضعیت اشتغال زنان روستایی در شهرستان دیواندره

منطقه‌ی مورد مطالعه به لحاظ موقعیت جغرافیایی، یکی از قطب‌های مهم زراعت و دامداری و تا حدودی صنایع دستی در کشور به‌شمار می‌رود، به‌خصوص زنان روستایی سهمی عمده در فعالیت‌های مذکور دارند، به‌طوری‌که اهم کارهای دامداری مثل شیر دوشی تا ۹۳ درصد به عهده‌ی زنان است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۱۱). بر اساس اطلاعات کسب شده (تکمیل پرسشنامه‌های خانوار) فعالیت‌های زنان روستایی در روستاهای نمونه‌ی مورد مطالعه به شرح جدول ذیل می‌باشد؛ که به صورت جدول توزیع فراوانی‌های نسبی محاسبه شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی زنان، در فعالیت‌های زراعت و باغبانی

وضعیت فعالیت		مشارکت دارد	نوع فعالیت	نوع محصول
مشارکت ندارد	فراوانی نسبی به درصد			
جمع				
۱۰۰	۱۹/۲	۸۰/۸	درو - بوجاری - خرمنکوبی - آماده کردن خرمن جداکردن گاه از دانه	گندم
۱۰۰	۳۸/۴	۶۱/۶	درو - بوجاری - خرمنکوبی - آماده کردن خرمن جداکردن گاه از دانه	جو
۱۰۰	۱۰/۱	۸۹/۹	برداشت - خرمنکوبی - جداکردن گاه از دانه - بوجاری	نخود
۱۰۰	۸۴/۷	۱۵/۳	برداشت - خرمنکوبی - جداکردن گاه از دانه - بوجاری	عدس
۱۰۰	۹۰/۴	۹/۶	برداشت - وجین	لوبیا
۱۰۰	۳۹/۵	۶۰/۵	خرد کردن - انبار کردن	نباتات علوفه‌ای یونجه، اسپرس و سایر
۱۰۰	۵۶/۵	۴۳/۵	برداشت سبزی - وجین - آبیاری	سبزی‌کاری
۱۰۰	۵۶/۵	۴۳/۵	برداشت - وجین - آبیاری	صیفی‌کاری
۱۰۰	۷۹	۲۱	میوه‌چینی	باغداری
۱۰۰	۹۰/۴	۹/۶	نشاء کاری - وجین	توتون‌کاری
۱۰۰	۹۰/۴	۹/۶	برداشت - روغن‌شی	کنجد
۱۰۰	۹۳	۷	برداشت	آفتابگردان

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۵.

جدول ۳: توزیع فراوانی زنان، بر حسب فعالیت‌های مربوط به دامداری، زنبورداری و طیور

وضعیت فعالیت			نوع فعالیت	واحد فعالیت
مشارکت ندارد		مشارکت دارد		
جمع	فراوانی نسبی به درصد	فراوانی نسبی به درصد		
۱۰۰	۱۷	۸۳	شیردوشی، تعلیف دام‌ها، رسیدگی به بیماری‌ها، جابجایی دام، پروراندی، تمیز کردن اصطبل	دامپروری
۱۰۰	۲۳	۷۷	آب و دانه دادن، جوجه‌کشی، رسیدگی به بیماری‌ها، جمع‌آوری تخم‌ها، جابجایی	طیور
۱۰۰	۷۳	۲۷	سرکشی به کندوها، بچه‌گیری، تغذیه، برداشت عسل، تبدیل کندو	زنبورداری

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

جدول ۴: توزیع فراوانی زنان، بر حسب اشتغال آنان در صنایع دستی

وضعیت فعالیت			نوع فعالیت
مشارکت ندارد		مشارکت دارد	
جمع	فراوانی نسبی به درصد	فراوانی نسبی به درصد	
۱۰۰	۱۴	۸۶	قالی بافی
۱۰۰	۳۴	۶۶	گلیم بافی
۱۰۰	۶۸/۴	۳۱/۶	جوراب بافی
۱۰۰	۶۶	۳۴	سجاده بافی
۱۰۰	۶۸/۴	۳۱/۶	دستکش بافی
۱۰۰	۲۶/۶	۷۳/۴	نخ‌ریسی
۱۰۰	۶۳/۳	۳۶/۷	پلاس بافی

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۵.

میزان ساعت کار روزانه زنان روستایی

بر اساس نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی، تعداد ۲۶ درصد از پاسخگویان، روزانه کمتر از ۶ ساعت در فعالیت‌های مربوط به دامداری، کشاورزی و صنایع دستی اشتغال دارند و تعداد ۵۴/۲ درصد از پاسخگویان، بین ۶-۸ ساعت و تعداد ۱۹/۸ درصد از پاسخگویان، بیش از ۸ ساعت به فعالیت‌های مذکور مشغول هستند. بنابراین می‌توان گفت بیش از دو سوم زنان، روزانه ۶-۸ ساعت وقت خود را صرف فعالیت‌های دامداری، صنایع دستی و کارهای کشاورزی می‌کنند (جدول ۵).

جدول ۵: توزیع فراوانی زنان، بر حسب میزان وساعات اشتغال روزانه‌ی آنان در فعالیت‌هایی مربوط به کشاورزی و صنایع دستی

فراوانی نسبی به درصد	شرح
۲۶	کمتر از ۶ ساعت
۵۴/۲	۶ تا ۸ ساعت
۱۹/۸	بیشتر از ۸ ساعت
۱۰۰	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۵

درآمد حاصل از ارزش نیروی کار زنان روستایی

با توجه به عرضه‌ی نیروی کار توسط زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی منطقه‌ی مورد مطالعه، که شامل مشارکت در تولیدات زراعی، باغی، دام، طیور، زنبورداری و تولید صنایع دستی می‌باشد، بر اساس یافته‌های این پژوهش، ۸۸/۷ درصد از زنان روستایی، بیش از ششصد هزار تومان در طول سال، از طریق فعالیت در مشاغل مذکور، بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری درآمد کسب کرده‌اند و به درآمد کل خانوار افزوده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶: توزیع فراوانی سهم حاصل از ارزش نیروی کار زنان در درآمد کل خانوار

فراوانی نسبی به درصد	شرح
۱۱/۳	دارای کمتر از ۶۰۰ هزار تومان
۳۰/۵	بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان
۵۸/۲	بالتر از ۹۰۰ هزار تومان
۱۰۰	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی، سال ۱۳۸۵

تحلیل آماری ارزش نیروی کار زنان و نقش آن در درآمد خانوارهای روستایی بیانگر آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ با ضریب همبستگی ۷۵ درصد، این نقش تعیین کننده و تأثیرگذار بوده است.

سواد زنان روستایی

در سال ۱۳۸۵ نرخ باسوادی زنان روستایی شهرستان ۵۵ درصد بوده است لیکن این نرخ در جامعه‌ی آماری نمونه ۳۸ درصد می باشد. این امر نشان دهنده‌ی این واقعیت است که زنان روستایی منطقه از لحاظ سواد وضعیت مناسبی ندارند.

جدول ۷: توزیع فراوانی وضعیت سواد زنان روستایی

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	شرح
۶۲	۱۱۰	بی سواد
۲۳	۴۰	ابتدایی
۱۳	۲۳	راهنمایی
۲	۴	متوسطه
۱۰۰	۱۷۷	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۵.

رابطه بین میزان تحصیلات زنان روستایی با درآمد خانوار

به لحاظ نظری میزان بهره‌مندی از سواد یکی از اهرم‌های مهمی است که در ارتقاء آگاهی و کیفیت کار زنان مؤثر است، زیرا بالا بودن سطح تحصیلات در جامعه در منطقه، خصوصاً در بین زنان آنها را قادر به بهره‌گیری از مهارت‌های جدید و بهبود کیفیت کار می‌کند. گرچه بخش اعظمی از زنان روستایی مورد مطالعه بی‌سواد یا کم‌سواد بوده‌اند (۸۵ درصد شامل ۶۲ درصد بی‌سواد و ۲۳ درصد در سطح ابتدایی) لیکن متأسفانه در مواردی نیز بالا بودن نسبی سطح تحصیلات در جامعه‌ی روستایی موجب بی‌رغبتی و کاهش مشارکت آنان در فعالیت‌های سنتی، از جمله کشاورزی و صنایع دستی می‌گردد. علاوه بر آن داده‌های این پژوهش نیز، نشان می‌دهد که بین میزان تحصیلات زنان روستایی با درآمد خانوار رابطه‌ی معکوس وجود دارد ($r = -0/71$). در واقع با افزایش میزان تحصیلات زنان روستایی، سهم آنان در درآمد خانوار کاهش پیدا می‌کند و بالعکس هر چه میزان بی‌سواد یا کم‌سواد زنان بیشتر باشد، سهم آنان در درآمد خانوار بیشتر می‌گردد و به تبع آن درآمد خانوار نیز افزایش نشان می‌دهد. البته نتیجه‌ی این فرضیه به این معنی نیست که سواد مانع کسب درآمد زنان می‌گردد، بلکه آموزش‌ها براساس نیاز و متناسب با مشاغل مربوطه و رایج در منطقه صورت نمی‌گیرد، لذا آنان به انجام فعالیت‌های سنتی از خود رغبت نشان نمی‌دهند (جدول ۸). در عین حال باید اذعان داشت که وجود زنان باسواد بر توسعه‌ی انسانی و بهبود کیفیت زندگی و تربیت فرزندان اثرگذار می‌باشد. اگرچه ارزش این امور را به مشابه تولید نمی‌توان ارزیابی کرد ولی قطعاً ارزش آن در درازمدت به مراتب والاتر و بیشتر از یافته‌های مادی است.

جدول ۸: تحلیل نتایج مربوط به فرضیه‌های تحقیق

عنوان فرضیه	درصد همبستگی	رابطه معناداری
رابطه‌ی نیروی کار زنان با سهم آنان در درآمد خانوار	+۰/۷۵	در سطح ۹۵ درصد
رابطه‌ی میزان تحصیلات زنان با سهم آنان در درآمد خانوار	-۰/۷۱	در سطح ۹۵ درصد

با توجه به جدول شماره‌ی ۸ برای آزمون فرضیات تست F مورد آزمایش قرار گرفت و در مورد ارزش نیروی کار زنان در امور تولید و ارزش افزوده در سطح اطمینان H_1 ۰/۹۵ با مقادیر $\alpha = 0/000$ و $\alpha = 0/۰۳۵$ مورد تأیید قرار گرفت که جدول شماره‌ی ۹ نتایج یافته‌های از آزمون فوق می‌باشد (مهدوی، ۱۳۸۵: ۳۰۵).

جدول ۹: نتایج آزمون F

ضریب همبستگی چندگانه $R = 0.82$		F مقدار = $63/23$
ضریب تعیین $R^2 = 0.68$		سطح معناداری = 0.00
ضریب تعیین اصلاح شده $R^2 = 0.67$		مقدار ثابت = 0.06
متغیرهای مستقل	میزان بتا (استاندارد شده)	معناداری
ارزش نیروی کار زنان	0.46	0.00
میزان تحصیلات	-0.17	0.035

نتیجه‌گیری

امروزه نقش زنان روستایی، به عنوان اهرم‌های مهم و نیروهای پیش‌برنده‌ی اساسی جامعه روستایی، بسیار حائز اهمیت است زیرا زنان روستایی به عنوان یکی از عناصر مهم در اقتصاد روستایی محسوب می‌شوند و سهمی قابل ملاحظه از نیروی کار و درآمد خانوار را، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، به خود اختصاص داده‌اند. ولی متأسفانه اعداد و ارقام آماری که در رابطه با میزان فعالیت‌های زنان ارائه می‌شود، بسیار پایین‌تر از حد واقعی است چرا که فعالیت‌های خانه‌داری و کارهای بدون دستمزد آنان منظور نمی‌شود. زنان روستایی نقش‌های مختلف و متعددی برعهده دارند: همسر، مادر، تولیدکننده‌ی محصولات زراعی، شریک در فعالیت‌های دامداری، دخیل در امر کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی و تهیه خوراک و غذا. یافته‌های این مطالعه نشان داده است رابطه‌ی مثبتی بین میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی خانواده با درآمد خانوار با ضریب اطمینان ۹۵ درصد در سطح ضریب همبستگی ۷۵ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد، اگر چه دیدگاه حاکم بر جامعه‌ی روستایی بر این باور است که زنان فاقد هرگونه توانایی و قابلیت جهت اظهارنظر و تصمیم‌گیری درباره‌ی امور مختلف هستند و صرفاً باید به کارهای منزل و پرورش کودکان بپردازند ولی واقعیت‌ها نشان می‌دهد که عملاً آنان در کنار شوهران خود در امور تولیدی مشارکت دارند. این تفکر عمدتاً یا به دلیل برخی از سنت‌های حاکم بر جوامع روستایی است و یا به دلیل تعصب مردان، که زنان را در انجام بعضی از برنامه‌ها ناتوان می‌دانند. این درحالی است که نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد زنان روستایی توانسته‌اند نه تنها جایگاه خود را در خانواده بهبود بخشند، بلکه به اقتصاد خانواده و جامعه نیز کمک نمایند. در عین حال در مواردی نیز بالا بودن

نسبی سطح تحصیلات زنان در جامعه‌ی روستایی موجب بی‌رغبتی و کاهش مشارکت آنان در فعالیت‌های سنتی، از جمله کشاورزی و تولید صنایع دستی می‌گردد. به‌طوری‌که یافته‌های این پژوهش بیانگر آنست که با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، ضریب همبستگی ۷۱- رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی بین سواد و سهم زنان در درآمد خانوارهای روستایی وجود دارد. زیرا اغلب آموزش‌ها بر اساس نیاز و متناسب با مشاغل مربوطه و رایج در منطقه صورت نمی‌گیرد، لذا آنان به انجام فعالیت‌های سنتی از خود رغبت چندانی نشان نمی‌دهند. این روند در حال نهادینه شدن است، اینک به نظر می‌رسد که به لحاظ محتوای آموزشی در روستاها متناسب با فرآیند تولید باید تغییراتی ایجاد نمود تا بستر کار و مشارکت زنان باسواد و بی‌سواد فراهم گردد.

منابع و مأخذ

- ۱- آسایش، حسین و همکاران (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد روستای ایران، چاپ پنجم. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- ۲- آگهی، حسین و پزشکی‌راد، غلامرضا (۱۳۷۸). ارزشیابی کار زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۲۸. انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۳- آمارنامه استان کردستان سال (۱۳۷۷). ناشر سازمان برنامه و بودجه استان کردستان.
- ۴- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه نویسی، تهران. انتشارات مرکز تحقیقات و سیاست علمی کشور.
- ۵- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵). نتایج تفصیلی استان کردستان شهرستان دیواندره، ناشر مرکز آمار ایران.
- ۶- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران، ناشر نشر قطره.
- ۷- شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۶). ضرورت توسعه، تعادل جنسی کار و دانش، فصلنامه اقتصاد کشاورزی در توسعه. نشریه شماره ۳. [گردهمایی زنان. مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰]. تهران. انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۸- طالقانی، محمود (۱۳۷۰). روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی، چاپ اول. تهران. دانشگاه پیام نور.
- ۹- فنی، زهره (۱۳۷۶). ساختار مشارکت زنان در توسعه کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه [مقالات گردهمایی زنان. مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰]. نشریه شماره ۳. انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۱۰- قلی‌زاده، آذر (۱۳۷۸). بررسی علل نادیده گرفتن نقش زنان روستایی در فرایند توسعه کشورهای در حال توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۲۷. انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۱۱- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۶). بررسی پایگاه طبقاتی زنان روستایی در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. نشریه شماره ۳. [گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰]. تهران. انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۱۲- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴). بررسی جامعه‌شناختی نقش زن در کشاورزی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال سوم. ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی. تهران. انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۱۳- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴). نقش زنان روستایی ایران در صحنه اقتصادی، [مجموعه مقالات زن، علم، صنعت و توسعه]. انتشارات دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری.

- ۱۴- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران. انتشارات نشر روز.
- ۱۵- مهدوی، مسعود (۱۳۸۵). کاربرد آمار در جغرافیا، انتشارات قومس.
- ۱۶- نواب‌اکبر، فیروزه (۱۳۷۶). نقش زنان روستایی در دهه‌ی گذشته، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. [مجموعه مقالات گردهمایی زنان. مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰]. نشریه شماره ۴. انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۱۷- نوروزی، فرح‌آرا و صدیقی، پرناز (۱۳۷۶). زنان کلید امنیت غذایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۱۹. انتشارات وزارت کشاورزی.
- 18- Douglas. V. Porpora (1989) The role of women in the international division.
- 19- United Nation the women and development unit planning for women in rural development a source book for The Caribbean, 1985.